

دکتر فریدون آدمیت بی تردید از برجسته‌ترین مورخین ایرانی و آثارش در زمره مهم‌ترین و معتبرترین مآخذ تاریخ معاصر ایران است. پژوهشگری را در داخل و یا خارج از ایران نمی‌توان یافت که قصد بررسی جنبه‌هایی از تاریخ معاصر ایران را داشته باشد و به آثار آدمیت تکیه نکرده باشد. آدمیت مورخ دوران تجدد و نواندیشی ایران، و خود محصول و نماینده این تفکر و اشاعه‌دهنده ایده‌های تجددخواهی بود. آنچه روشنفکران ایران از جنبش ترقی خواهانه و شخصیت‌های پیشرو آن، از آخوندزاده، ملکم خان و آقاخان کرمانی گرفته تا طالبوف تبریزی، محمدخان مجدالملک و زین‌العابدین مراغه‌ای و امثال آنها می‌دانند، آدمیت در این دانش سهم بسزایی داشته است.

شیوه تاریخ‌نگاری او تحت تأثیر تربیت علمی‌اش، تاریخ‌نگاری نوین بود و تحلیل‌هایش از وقایع و شخصیت‌ها بر بستر مطالعه و تشریح زمینه‌های عینی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن عصر، و ارائه واقع‌بینانه و بی‌طرفانه واقعیت‌ها و داده‌های تاریخی استوار بود. خود می‌گوید، «سخنی نگفتم که مستند نباشد و سندی ندادم که معتبر نباشد.»

این برخورد بی‌طرفانه اما به معنی آن نبود که در زمینه آنچه که آن را درست می‌انگاشت موضع نگیرد. بالعکس، آدمیت در تشریح جدال روشنگری و واپس‌گرایی،

جدالی که بیش از یک قرن پیش در کشورمان آغاز شد و کماکان ادامه دارد، بی‌مهابا و با شهامت از روشنگری و روشنفکری حمایت می‌کند. او حتی به روشنگران بزرگی چون آقاخان کرمانی بخاطر توهماتى که از پاره‌ای اقتشار داشت و فکر می‌کرد به اتکاء آنها می‌توان بساط استبداد را برچید، خرده می‌گیرد و می‌گوید «اندیشه‌اش به خلاء روشنفکری می‌رسد». تحلیل‌های تاریخی‌اش گاه حالت رساله‌ای سیاسی به خود می‌گیرند و از تاختن به جریانات واپسگرا و موانعی که در راه ترقی کشور ایجاد می‌کنند، ابائی ندارد.

آدمیت شیفته مدرنیته و دستاوردهای آن است و تمامی جنبه‌های مدرن را در لابلای تحلیل‌های تاریخی‌اش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. مطالعه آثار تاریخی فراوان از او بخوبی نشان می‌دهد که چه راه درازی در استقرار حکومت قانون و ضدیت با استبداد و جهل و خرافه و دفاع از دموکراسی و آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و فردی طی شده و چگونه پیشگامان تجدد و با چه سختی‌ها و مشقات فراوانی ذره ذره در راه پیشبرد جامعه ایران قدم برداشته‌اند.

اگر آثار آدمیت به زبان‌های خارجی ترجمه می‌شد، بسیاری غریبان متوجه می‌شدند که بیش از یک قرن است که ایرانیان با اندیشه مدرن و دموکراسی آشنا شده و در راه آن مبارزه کرده‌اند، و نیازی به معرفی مجدد آن از خارج نیست. خواندن این آثار به‌ویژه در زمانی که مدرنیته و دستاوردهای آن در نقاط مختلف جهان، چه در عمل از سوی نیروهای سیاسی واپسگرا، و چه در نظر از سوی پیروان نسبی‌گرایی فرهنگی و پسامدرن مورد تهاجم قرار گرفته، و همه جا نوعی آشتی با پیشامدرن در جریان است، از هر جهت ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

آدمیت ادامه‌دهنده راه همان شخصیت‌های بزرگ تاریخ معاصر کشورمان بود که در آثار متعددش آنها را به ما معرفی کرد. یادش گرامی باد.